

## رفتارشناسی جامعه در برابر گنهکاران (۱)

اشاره

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ  
الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَّرِ  
الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>.

یکی از موضوعات بسیار مهم و مورد نیاز جامعه، «شیوه‌های رفتار با فرد خطاکار و گنهکار» است که باید به طور جامع و کامل، مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این موضوع از آن روست که می‌تواند راه جذب جوانان و افراد بدبین نسبت به دینداران را هموار نماید و آنان را از این باور غلط که «مؤمنان ما را انسان‌های پلید و لکه‌ننگ و جهنمی می‌بینند» جدا کند. البته این موضوع به جامعه بیرون از خانواده اختصاص ندارد؛ بلکه رعایت این موارد در محیط خانوادگی - که حتماً لازم است - بسیاری از آسیب‌های موجود - همچون طلاق‌های رسمی و عاطفی و قهرها و قطع‌رحم‌های چند ساله - را برطرف خواهد کرد، از بسیاری مشکلات دیگر پیشگیری، و سبک زندگی ما را به آرمان اصیل «سبک زندگی اسلامی» نزدیک‌تر خواهد نمود. در این مجلس و نیز مجلس بعدی، به صورت مختصر با ده نمونه مهم از رفتارهایی که قرآن و عترت در این باره به ما تعلیم داده‌اند، آشنا می‌شویم.

### رفتار اول: نداشتن سوءظن

خداوند در سوره حُجُرَات که مجموعه‌ای از دستورات اخلاقی - اجتماعی از منظر اسلام است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...»<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید».

اگر چه این دستور الهی به فرد گنهکار اختصاص ندارد و ما باید نسبت به همه افراد جامعه چنین رفتاری داشته باشیم، ولی از آنجا که گناه قبلی انسان، سبب تقویت سوءظن به او برای یافتن گناه جدیدی می‌شود، آن را به عنوان اولین وظیفه جامعه در برابر فرد گنهکار مطرح نمودیم.

بنا بر آیه فوق، مهم‌ترین پیامد سوءظن، عیب‌جویی و جستجو در امور شخصی مردم است. اگر قرار باشد هر فرد نسبت به زندگی خصوصی شخص دیگر سوءظن داشته و در جستجوی عیوب او باشد، او نیز در مقام مقابله به مثل بر می‌آید و زندگی برای همه افراد جامعه تلخ خواهد شد.

فقیهان در پاسخ به این مسئله که اگر زن بی‌شوهری حامله شد، آیا باید حد زنا بر او جاری شود یا خیر؟ گفته‌اند: ما حق بدگمانی به چنین شخصی را نداریم؛ زیرا احتمال دارد از راهی غیر از گناه حامله شده باشد. امام خمینی علیه السلام در تحریرالوسیله درباره این موضوع فرموده است: «اگر زنی که شوهر ندارد حامله شود، حد بر او جاری نمی‌شود؛ مگر با چهار بار اقرار خودش به زنا و یا شهادت چهار نفر عادل و بر دیگران جایز نیست که علت حامله شدن را از او سؤال کنند و درباره آن واقعه، او را تفتیش نمایند»<sup>۲</sup>.

بدگمانی به دیگران می‌تواند به یکی از این عوامل برگردد:

۱- پلیدی درونی؛

۲- هم‌نشینی با بدان؛

۱. حجرات: ۱۲.

۲. امام خمینی؛ تحریرالوسیله؛ ج ۲، ص ۴۶۰.

۳- محیط فاسد؛

۴- حسادت؛

۵- احساس حقارت.<sup>۱</sup>

### عیب‌جویی و بی‌ایمانی

در حدیثی که زراره از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل کرده است، پیامد بزرگ و خطرناک عیب‌جویی، افتادن از چشم خدا و از دست دادن ایمان و قرار گرفتن بر لبه کفر عنوان شده است:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَخِي الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَزَلَّاتِهِ لِيَعْتَنَّهُ بِهَا يَوْمًا مَا»<sup>۲</sup> «نزدیک‌ترین حالت انسان به کفر، این است که کسی با دیگری رفاقت کند برای اینکه لغزش‌ها و خطاهای او را بشناسد تا در فرصت مناسب، او را خوار و ذلیل کند».

سوءظن ضمن برانگیختن حس جستجو و عیب‌جویی، در بسیاری از موارد سبب غیبت کردن و بُردن آبروی افراد نیز می‌شود. مرحوم ملامهدی نراقی رحمته الله از عالمان بزرگ علم اخلاق، در این زمینه نکته قابل تأملی را ذکر نموده است: «به وسیله روایات ثابت شده و با تجربه هم روشن گشته است: کسی که دیگران را بی‌آبرو کند، عاقبت، خودش نیز بی‌آبرو خواهد شد».<sup>۳</sup>

### رفتار دوم: اشاعه ندادن گناه دیگران

در شب‌های قدر، خود را مقید به خواندن دعای «جوشن کبیر» می‌کنیم؛ دعایی توحیدی که هزار و یک نام خدا را بر زبان و دل جاری می‌کند. در فراز دوازدهم از عمق وجود و با گریه و زاری خدا را با نام «سَتَّارُ الْعُيُوبِ» می‌خوانیم. اگر در همین

۱. توضیح بیشتر در این باره را در تفسیر موضوعی «اخلاق در قرآن» مطالعه نمایید. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ اخلاق در قرآن؛ ج ۳، ص ۳۳۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۵۴.

۳. ملا مهدی نراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۲۸۱: قد ثَبَّتَ وَ وَضَّحَ مِنَ الْأَخْبَارِ وَ التَّجْرِبَةِ: أَنْ مَنْ يَفْضَحَ يَفْتَضِحَ.

یک نام خدا بیاندیشیم، توانسته‌ایم قُرب و نزدیکی به حضرت حق را که هدف همه ما در احیای لیلۃ‌القدر است، به دست بیاوریم. متأسفانه امروزه با توجه به فضای مجازی، گناه «اشاعه گناه دیگران» دامن بسیاری از افراد را بیش از گذشته آلوده کرده است. سزاوار است با آگاهی از عواقب سوء این گناه بزرگ، روح خود را سالم نگه داریم.

معاویة بن وهب می‌گوید: روزی امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی بنده‌ای توبه واقعی کرد، خداوند او را دوست می‌دارد؛ لذا در دنیا و آخرت، گناهان او را می‌پوشاند». از حضرت پرسیدم: خداوند چگونه گناهان را می‌پوشاند؟ حضرت فرمود: «خداوند هر گناهی را که دو فرشته موکل برای توبه‌کننده نوشته باشند، از خاطرشان می‌برد و به اعضایش وحی می‌کند که گناهانش را نادیده بگیرند و به زمینی که روی آن گناه کرده، وحی می‌کند هر گناهی را که روی تو انجام داده بود، نادیده بگیر. لذا وقتی که با خدا ملاقات می‌کند، شاهدی بر گناهان او پیدا نمی‌شود».<sup>۱</sup>

اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که امام صادق علیه السلام به اطرافیان خود دستور داده بود تا مراجعه‌کنندگانی را که به خانه ایشان می‌آیند، به دو گروه تقسیم کنند: ۱- مانع کسانی که برای آموختن فقه و قرآن و تفسیر نزد امام می‌آیند، نشوند؛ ۲- افرادی که نزد امام می‌آیند تا عیبی را که خدا پوشانده افشا کنند، دور کنند.<sup>۲</sup>

همه عیب خلق دیدن، نه مروت است و مردی

نظری به خویشان کن که تو هم گناه داری<sup>۳</sup>

### تُرش رویی امام علی علیه السلام

چشم‌پوشی از گناه دیگران و عدم اشاعه آن، تا اندازه‌ای مهم است که زن بارداری به محضر امیرمؤمنان علیه السلام آمد و عرض کرد: من زنا کرده‌ام، مرا پاک کن که عذاب دنیا،

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۴۳۰.

۲. همان، ص ۴۴۲.

۳. مُصلِح بن عبدالله سعدی؛ *کلیات سعدی*؛ مواعظ، ص ۸۰۴.

آسان‌تر از عذاب همیشگی آخرت است.  
حضرت فرمود: از چه چیزی تو را پاک کنم؟  
زن گفت: از زنايي که کرده‌ام.  
امام فرمود: آیا شوهر داری؟  
عرض کرد: بله.  
حضرت فرمود: آیا آن زمانی که مرتکب زنا شدی، شوهرت حاضر بود یا از تو دور بود؟  
زن گفت: بله؛ او در دسترس بود.  
امام که دلش نمی‌خواست گناه آن زن ثابت شود، به او فرمود: برو، هر وقت بچه‌ات را به دنیا آوردی، بیا تا تو را پاک کنم.  
وقتی زن می‌رفت، حضرت خیلی آرام بدون آنکه زن کلامش را بشنود، گفت: خدایا! این یک شهادت و اقرار بود.  
طولی نکشید که زن مجدداً به محضر امام علیه السلام آمد و عرض کرد: بچه‌ام به دنیا آمد، مرا پاک کن.  
حضرت تجاهل کردند و مانند کسی که از ماجرا چیزی نمی‌داند، فرمود: تو را از چه چیزی پاک کنم؟  
گفت: من زنا کرده‌ام، پاکم کن.  
باز حضرت سؤالات گذشته را تکرار کرد. زن نیز مانند قبل جواب داد.  
حضرت فرمود: برو و بچه‌ات را تا دو سال شیر بده تا تو را پاک کنم.  
وقتی زن بر می‌گشت، حضرت به آرامی و به طوری که زن نفهمد، فرمود: خدایا! این دو بار اعتراف.  
راوی می‌گوید: دو سال تمام شد، زن مجدداً آمد و گفت: من دو سال بچه‌ام را شیر دادم، پس مرا پاک کن.  
باز هم امام علیه السلام تجاهل کرد و زن هم مانند گذشته پاسخ داد. سپس حضرت به او فرمود: ای زن! برو بچه‌ات را کفالت کن تا به حدی که عقل خورده و آشامیدن را پیدا کند، بتواند خود را حفظ کند، از بلندی پرت نشود و در چاهی نیفتد. هر وقت

فرزندت به این حد رسید، بیا تا تو را پاک کنم.  
راوی می گوید: زن با حالت گریه برگشت.  
در همین حال، حضرت آرام می گفت: خدایا! این سه بار اقرار.  
در بین راه، عمرو بن حُرَیث مخزومی از اصحاب امام علی علیه السلام دید که زنی از کنار  
محکمه قضای امیرمؤمنان علیه السلام می رود و گریه می کند. جلو رفت و از او سؤال کرد: ای  
زن! چرا گریه می کنی؟ من مکرر دیدم که خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رفتی و برگشتی.  
زن در پاسخ گفت: آری! نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتم تا مرا پاک کند، ولی به من فرمود:  
برو بچه ات را بزرگ کن. وقتی عقلش کامل شد، بیا تا تو را پاک کنم. ای عمرو!  
می ترسم مرگ من فرا برسد و من از گناه پاک نشده باشم.  
عمرو بن حریث به خیال خود خواست به زن خدمتی کرده باشد، لذا گفت: ناراحت  
نباش من بچه تو را بزرگ می کنم، برگرد تا امام علیه السلام حکم خدا را درباره ات اجرا کند.  
زن برگشت و پیشنهاد نگهداری فرزندش توسط عمرو بن حریث را به حضرت  
عرض کرد.  
باز امام علی علیه السلام درباره زن تجاهر کرد و فرمود: عمرو برای چه کفالت فرزندت را  
عهده دار شده است؟  
زن گفت: زنا کرده ام، مرا پاکیزه کن.  
حضرت مجدداً سؤالات را تکرار کرد که: آیا شوهر داشتی؟ آیا او در زمان گناه در  
دسترس تو بود؟  
زن هم جواب های گذشته را داد.  
در اینجا چهار بار و در چهار مجلس، زن به گناه اعتراف کرد.  
آنگاه حضرت سر مبارک را به طرف آسمان بلند، و به پیشگاه الهی عرض کرد:  
خدایا، برای تو چهار بار شهادت و اقرار او ثابت شد.  
عمرو بن حریث که به نظر خود کار خوبی کرده بود، می گوید: به صورت حضرت  
نگاه کردم، دیدم حضرت به شدت ناراحت شدند و رنگ صورتشان دگرگون شد.  
فهمیدم که حضرت از کار من ناراحت است، لذا پیش دستی کرده و گفتم: ای امیر-  
مؤمنان! من خواستم فرزندش را کفالت کنم؛ زیرا گمان می کردم این کارم را دوست

دارید. اگر می‌دانستم از این کار ناراحت می‌شوید، این کار را نمی‌کردم. نهایتاً حضرت با اصرار بیش از حد آن زن و کج‌سلیقگی عمرو بن حرث، حکم خدا را بر آن گنهکار جاری نمود.<sup>۱</sup> شیطان، به فرموده قرآن،<sup>۲</sup> اهل ایمان را با زینت دادن گناه آلوده می‌کند. به فرد مؤمن می‌گوید: به اسم روشنگری، این گناه فلانی را فاش یا ترویج کن. فرد مؤمن باید کیس و زیرک باشد و با خود بیاندیشد این کار چه مشکلی را حل می‌کند؟

### رفتار سوم: دلسوزی و ترحم

امیرمؤمنان علیه السلام این وظیفه را در ابتدای یکی از خطبه‌هایشان مطرح کرده و فرموده است:

«وَ إِنَّمَا يَتَّبِعِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرَحْمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعْصِيَةِ...»<sup>۳</sup> «سزاوار است کسانی که از عیوب پاکند و از گناهان سالم، نسبت به اهل گناه و معصیت، ترحم و دلسوزی داشته باشند».

دلسوزی دو راه دارد: ۱- دعا کردن برای فرد گنهکار؛ ۲- فراهم کردن زمینه‌ای برای ترک گناه.

در مواجهه با افراد گنهکار نباید آنان را به سبب گناه‌شان سرزنش کرد؛ زیرا این کار نه تنها آنان را از گناه دور نمی‌کند، بلکه سبب جری‌تر شدن آنان در انجام گناه می‌شود. از همین روست که در روایات توصیه شده است که برای آنان خیر گفته و برایشان درخواست توبه شود. عبدالله بن جندب، از اهالی کوفه و شخصیتی بزرگوار و عابد و از شاگردان سه امام، یعنی امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام بوده است. امام صادق علیه السلام سفارش‌هایی جامع و زیبا به او و در واقع به همه پیروان اهل بیت علیهم السلام داشته است، از جمله فرموده است: «ای پسر جندب! درباره گنهکاران پیروان اهل بیت علیهم السلام سخنی جز خیر نگویید و با تضرع و زاری، از خداوند توفیق

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۷، ص ۱۸۶؛ محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۰، ص ۲۹۰.

۲. انفال: ۴۸.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۱۹۷، خطبه ۱۴۰.

اصلاحشان را بخواهید و برایشان درخواست توبه کنید»<sup>۱</sup>.

### دعا برای گنهکاران

امام صادق علیه السلام فرموده است: «مادرم أم فروه که از زنان با ایمان و شایسته بود، برایم نقل کرد که پدرم امام باقر علیه السلام فرمود: ای أم فروه! من برای پیروان اهل بیت علیهم السلام که گنهکارند، هر شبانه روز هزار بار دعا می‌کنم»<sup>۲</sup>.

### اقدام عملی

دلسوز واقعی، کسی است که علاوه بر درخواست اصلاح فرد گنهکار، آستین همت بالا زده و هر کاری که از او بر می‌آید، انجام دهد.

### شهردار با تدبیر

مرحوم استاد شهید مطهری ماجرای زیبایی را در همین رابطه نقل نموده است: چندین سال پیش در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالات فیلادلفیا (امریکا) زن‌ها به قماربازی مبتلا شده بودند. ابتدا کشیش‌ها، روزنامه‌نویس‌ها، خطبا و فصحا تا می‌توانستند درباره بدی قمار خصوصاً برای زن‌ها گفتند و نوشتند، ولی مثل همین حرف‌های خودمانی مانند: «گردو روی گنبد سُر خورد و پایین افتاد و به جایی نرسید» بی‌اثر بود. تا آنکه شهردار محل به فکر افتاد که یکی دو باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر و سرگرمی‌های مناسب در آنجا فراهم کند؛ از قبیل نمایش بچه‌های چاق و تندرست و جایزه دادن به مادران کاردان و کارهای دستی و...، که هر کدام برنامه‌های خاصی داشت و مردم را سُر ذوق می‌آورد. دو سه سالی که از این جریان گذشت، زن‌های آن شهر به‌کلی قمار را فراموش کردند.<sup>۳</sup>

یکی از اصلی‌ترین وظایف افراد و نهادهای فرهنگی، بسترسازی برای ترک گناه است. برای مثال ما نباید توقع داشته باشیم عروسی‌های مردم مانند مجلس عزا یا یک

۱. ابن شعبه حرّانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۰۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۴۷۲.

۳. مرتضی مطهری؛ ده گفتار؛ ص ۹۵.



میهمانی معمولی و خشک برگزار شود، مردم این کار را نخواهند کرد. لازم است متولیان فرهنگی مانند سازمان تبلیغات اسلامی با تهیه الگو و گروه‌های برگزاری «مجالس عروسی شاد و حلال»، به پیشگیری از این گناه فراگیر بپردازند.

### رفتار چهارم: نهی از منکر

لازمه دوست داشتن یک انسان و دلسوزی برای او، بی‌تفاوت نبودن نسبت به دور شدن او از خدای متعال و فطرت بشری است؛ چنان‌که در مواردی که هم‌نوع خود را در حال نزدیک شدن به پرتگاهی مالی یا جانی می‌بینیم، همان حس، ما را به یادآوری و تذکر به او و او می‌دارد. از همین روست که برخی از فقیهان ما، دلیل اصلی و اولیه واجب بودن نهی از منکر را عقلی دانسته و آیات و روایات (دلایل نقلی) را تأکیدی بر حکم عقل دانسته‌اند؛ مانند بزرگ شیعه جناب شیخ طوسی،<sup>۱</sup> شهید اول و شهید ثانی<sup>۲</sup> رضوان‌الله‌علیهم.

و گر بینم که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینم، گناه است<sup>۳</sup>

### پیوند سرنوشت‌ها

اگر از مصلحت فرد گنهکار چشم‌پوشی کنیم، از مصلحت جامعه بشری نمی‌توان صرف‌نظر کرد؛ زیرا بسیاری از گناهان، علاوه بر پیامدهای شخصی، بی‌واسطه یا با واسطه، جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد؛ همانند راننده‌ای که با رعایت نکردن مقررات رانندگی، هم خود و هم سرنشینان ماشین خود یا ماشین‌های دیگر را به مرز هلاکت می‌برد. «پیوند سرنوشت‌ها» قابل انکار نیست و حق طبیعی هر فردی است که بتواند بر جامعه خود نظارت داشته باشد. اصلاح جامعه نیز جز از طریق «نظارت همگانی» امکان‌پذیر نبوده و هیچ نیروی نظامی و اطلاعاتی، توان جایگزینی با «سیستم نهی از منکر» را ندارد. پیامبر اسلام ﷺ با ذکر مثالی، «پیوند سرنوشت فرد

۱. شیخ طوسی؛ الإقتصاد؛ ص ۱۴۷.

۲. شهید ثانی؛ شرح لمعه؛ ج ۲، ص ۳۳.

۳. مُضِلِح بن عبدالله سعدي، کلیات سعدي؛ ص ۶۷.

و اجتماع» را چنین بیان کرده است:

«گنه کار در میان مردم، همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی می شود، هنگامی که در وسط دریا قرار می گیرند، تبری را بردارد و به سوراخ کردن جایی که در آنجا نشسته پردازد و هر گاه دیگر سرنشینان کشتی به او اعتراض کنند، در جواب بگوید: من در سهم خود تصرف می کنم! اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و همه آنها غرق خواهند شد.»<sup>۱</sup>

### چاشنی محبت

در حدیث زیبایی از امام صادق علیه السلام یکی از سه شرط اساسی امر به معروف و نهی از منکر، نرم خوئی و ملاحظت معرفی شده است:

«إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ رَفِيقٌ بِمَا يَنْهَى»<sup>۲</sup> «کسی می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند که سه ویژگی در او باشد: به آنچه امر می کند و از آنچه نهی می نماید، آگاه باشد؛ عادلانه امر و نهی نماید و با مهربانی و محبت، امر و نهی کند».

### نکته پایانی

نگاهی به خطبه ها و سخنان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، نشان می دهد که آن الگوی نهی از منکر، چگونه و با چه عطف و مهربانی ای سپاه یزید را مورد خطاب قرار داد:

«بِمَ تَسْتَجِلُّونَ دَمِي وَ أَبِي الدَّائِدُ عَنِ الْحَوْضِ غَدًا يَذُودُ عَنْهُ رَجَالًا كَمَا يَذُودُ الْبَعِيرُ الصَّادِرُ عَنِ الْمَاءِ وَ لَوَاءُ الْحَمْدِ فِي يَدِ جَدِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟»<sup>۳</sup> «چرا ریختن خونم را حلال می دانید، با آنکه پدرم فردای قیامت، مدافع حوض است و مردم را آن چنان که شتر را از آب برانند، از حوض براند و لواء الحمد (پرچم ستایش) در روز قیامت به دست جدم باشد؟».

۱. ابوالفتوح رازی؛ تفسیر روض الجنان؛ ج ۴، ص ۴۸۲.

۲. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۵۸.

۳. شیخ صدوق؛ الأملی؛ ص ۱۵۹.

ولی در عوضِ پندگرفتن و لیبیک به حجت خدا، با سنگ جوابش را دادند.  
آنان که به گوش دل شنیدند تو را      رفتند و به پای دل رسیدند تو را  
آن کوردلان که بر دلت تیر زدند      دیدند تو را، ولی ندیدند تو را<sup>۱</sup>

---

۱. شعر از میرزا فتح‌الله قدسی کرمانی متخلص به «فؤاد».